



۲۰۱۴/۰۷/۱۳



محمد حیدر اختر

## شعر های «انقلابی» یا یا مداحی برای اتحاد شوروی



شاعران و نویسنده گان وابسته به خلق و پرچم از آنچه در گذشته نوشته اند پشیمان نیستند. مگر مداحی ها و روسی ستایی های سابقه را تجدید چاپ هم نمی کنند. شاید می شرمند. فعلا قوم پرستی می کنند و یگان جای افتخار دارند که با اجازه دادن موسیقی و شعر و ادب "انقلابی" می کشتند، «انقلابی» شکنجه میکردند و انقلابی زندانی میکردند. بعضی اوقات زیر نام بیدل شناس به عوام فریبی میپرداختند. زیرا بیدل شاعر محبوب القلوب جامعه افغانستان است.

آنها چگونه بیدل را میشناختند؟ شاید از نظر آنها بیدل بزرگ را نیز مزدور و خاین می پنداشتند. راست گفتند که هرکس از عینک خود میبیند. شاعران مزدور روسیه شوروی شعر های را که در آنها روسها را مدح وصف کردند. و در آزمون مفتخر به آن بودند پس چرا حالا به افتخار تجدید چاپ نمی کنند. علت واضح است، بخاطریکه با میخ پنجم متوجه شدند که هم جامعه افغانستان را و هم ملت افغان را در پرتگاه نیستی انداختند و سبب آمدن رژیم های قرون وسطایی در کشور همین ها شدند. خوشبختانه تمام افغانستان اینها را خوب میشناسند، اما جوانیکه تا کنون از شاهکار های این ها خبر ندارند بهتر است آنها نیز اینها را بشناسند، ما در نظر داریم منبع پارچه های مداحی کتمان شده یا ننگ نامه های مداحان شوروی را منحیت سند به «اصطلاح آنها انقلابی» پیش کش خواهیم کرد.

فعلا بعد از یک نظر گذرا به «تاریخچه کتاب در افغانستان» و به تعقیب آن شعرهای از بارق شفیع، اسدالله حبیب، غلام دستگیر پنجشیری را مطالعه کنید و اینها را خوبتر بشناسید. اینها خیانت ها و کار های ضد ملی که در گذشته انجام داده اند پنهان نموده و نمی خواهند کسی از آن ها یاد نماید. در حالیکه شیرازه و خرمن افغانستان به گوگرد همین ها سرا پا آتش گرفت که تا کنون خاموش نمودن این آتش خانمان سوز قابل مکت است.

اگر به گذشته های دور نظر گذرا بیاندازیم می بینیم که چاپ و نشر کتاب را مورخین از زمان امیر حبیب الله خان با نشر سراج التواریخ که مهمترین کتاب تاریخ افغانستان به شمار می رود و توسط مرحوم فیض محمد کاتب تألیف شده است و هم نشر نشریه سراج الاخبار را که یکی از با نفوذ ترین نشریات در منطقه در عصر خود بود می دانند. در زمان زمامداری اعلیحضرت امان الله خان غازی نیز به نشر کتاب، نشریه و مجله فعالیت های بیشتری صورت گرفت. به تعداد زیادی کتب های معلوماتی، مجموعه های شعری و غیره اقبال چاپ یافت.

زمانی که نظام نادر شاهی در افغانستان برقرار شد در اوضاع فرهنگی کشور تغییر فاحشی رو نما گردید زیرا در افغانستان یک فضای مختنق فرهنگی و سیاسی به وجود آمد و تعداد کثیری از روشنفکران، ادبا و شعرا که در زمان امان الله خان رشد کرده بودند بنام امانی وامانیست راهی زندان ها شدند جز یک تعداد از نویسندگان و شعرا که توانستند با همه نا بسامانی های دستگاه، بسوزند و بسازند. این روند سال های زیادی را در بر گرفت تا آهسته آهسته فضا باز تر شده و انجمن تاریخ، انجمن جامی، دایره المعارف آریانا و ده ها انجمن های فرهنگی دیگری در اواسط دوران محمد ظاهر شاه به فعالیت های فرهنگی آغاز کردند و نویسندگان و شعرا توانستند تا اندازه فراورده های شانرا در مجلات، روزنامه ها، ویا هم به شکل مجموعه شعری انتشار بدهند. اما نشرات در افغانستان کاملا تحت نظر و سانسور دولت قرار داشت. ریاست نشرات وزارت اطلاعات و کلتور هر کتاب، مجموعه شعری و غیره را قبل از چاپ و هم بعد از چاپ دیده اجازه پخش آنرا صادر می کرد و نویسنده و یا شاعر مجبور و مکلف بود تا طبق هدایت ریاست نشرات وزارت اطلاعات و کلتور کتاب و یا اشعارش را عیار می ساخت. کم نبود کتاب های که بعد از چاپ نیز از مطبوعه دولتی خارج نشده و به تحویلخانه مطبوعه سال های سال باقی مانده بود که میتوان از آن جمله کتاب ها کتاب «افغانستان در مسیر تاریخ» میر غلام محمد غبار را نام برد.

با سقوط دولت شاهی و به میان آمدن جمهوری داود هم فعالیت های چندانی در قسمت طبع و نشر کتاب صورت نگرفت. و کتاب های که در تحویلخانه های مطبوعه وجود داشت مانند رژیم شاهی باقی ماند.

در سال ۱۳۵۷ با ظهور حکومت کمونیستی در افغانستان کتاب به یک امر ایدیولوژیک تبدیل شد. هر کتابی که با ایدیولوژی رسمی دولت مطابقت نداشت ممنوع شد. سانسور مطبوعات شدید شد و شمار کثیری از دانشمندان کشور زندانی و یا کشته شدند. یک عده هم ترجیح دادند که خاموش باشند. هر چند از نگاه کمی حکومت کمونیستی کتاب

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

های زیادی را در افغانستان چاپ کرد، ولی به خاطر بستگی فضای خلاقیت، کیفیت ظاهری و باطنی آثار به شدت دچار تنزل شد

طبع و نشر کتاب کاملاً شکل سیاسی و روس‌گرایی را به خود گرفت نشرات افغانستان یک سره مداح تره کی و کودتای ثور و شوروی شد روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون همه به همان سمت روان بودند جز تعریف و تجمید حزب، کودتای منحوس ثور بنام "انقلاب شکوهمند"، دشمن ستیزی، روس‌گرایی چیزی دیگر در نشرات دیده نمی‌شد، حتی خوب به خاطر دارم که در یکی از برنامه‌ها که هفته سه بار بنام «جام جم» از طریق رادیو افغانستان نشر می‌شد سرمقاله‌های روزنامه پروادا نشریه کمیته مرکزی حزب سوسیالیستی اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی برگردانده شده به زبان دری و یا پشتو انتشار می‌یافت، آن برنامه که سرمقاله پروادا را نداشت اصلاً قابل نشر نبود

رژیم دست‌نشانده در چوکات کمیته مرکزی حزب، شعبه‌ها را به میان آورد بنام ریاست تبلیغ و ترویج که در راس آن خانم جمیله پلوشه قرار داشت این اداره تمام نشرات افغانستان را تحت کنترل داشت در حقیقت هیچ‌گونه اعتمادی به وزارت اطلاعات و کلتور وجود نداشت.

همین اداره چندین اتحادیه یا انجمن‌ها را به وجود آورد مانند اتحادیه هنرمندان اتحادیه نویسندگان شعرا، اتحادیه، انجمن طبع و نشر، انجمن نویسندگان افغانستان و غیره. که یکسره در خط انقلاب‌گرایی خودشان و روسیه‌گرایی ولی نعمت‌شان شوروی فعال شدند

انجمن نویسندگان افغانستان از بدو تاسیس، کتاب و مجموعه‌های شعری بسیاری را انتشار داد که اکثر این کتاب‌ها و مجموعه‌های شعری توسط رفقای حزبی تهیه شده بود و یا اینکه به مذاق دولت و مشاورین روسی برابر بود. در سفر اخیری که به کابل داشتم کتابی را دستیاب نمودم بنام «کابل در آئینه شعر» این کتاب از طرف انجمن نویسندگان افغانستان در سال ۱۳۶۶ خورشیدی در مطبوعه حزبی به تعداد ۲۰۰۰ جلد در ۱۷۸ صفحه با قطع و صحافت کوچک با کاغذ عادی زرد رنگ اخباری طبع شده است

در مقدمه این کتاب که به قلم دستگیر پنجشیری یکی از سرسپرده‌گان و مدیحه‌سرایان روسی به شمار می‌رود، نوشته شده در یک قسمت از این مقدمه می‌خوانیم که:

شهر کابل گهواره قیام‌های ملی و دموکراتیک ضد استعمار بریتانیا و ضد استبداد فیودالی و شهر انقلاب است بعد از انقلاب ثور این شهر به یکی از گره‌گاه‌های حاد سیاسی منطقه ما و جهان بدل شده و در مرکز توجه ملل و مردمان قاره آسیا و سیاره ما قرار گرفته است.

اما این به اصطلاح آکادمیسن از استعمار و تجاوز روسیه به افغانستان سخنی نمی‌راند که کابل و افغانستان و مردم افغانستان را به چه روزی انداخته است که تا امروز نمی‌تواند به پای خود بایستد.

در این مجموعه اشعار ۲۷ شاعر افغانی و خارجی که در وصف کابل اشعاری داشتند جمع‌آوری شده مانند صائب تبریزی، اقبال لاهوری، قاری عبدالله ملک الشعرا، مستغنی، ابراهیم خلیل، یوسف آینه، ضیاء قاری زاده و غیره که همه در وصف کابل، طراوت و زیبایی، کوه و دمن، باغ و بوستان، و ارغوانزار کابل را به تصویر کشیده شده است اما در اشعار آن‌عه از شعرای که وابسته به رژیم دست‌نشانده هستند از زیبایی‌های کابل سخن کمتر رانده شده و بیشتر به وابسته ساختن کابل و یا بهتر گفته شود به قبله حقیقی‌شان مسکو تشبیه شده و زمانی هم به آشیانه عقاب‌های انقلاب.



از همین مجموعه سه شعری به اصطلاح انقلابی انتخاب گردید تا مردم ما ببینند و بشناسند شاعرانی را که نوکر منشی و شوروی‌گرایی را به حدی رسانیده بودند که جز انقلاب و شوروی به چیزی دیگر فکر نمی‌کردند نه به هویت ملی‌شان و نه به فرهنگ اجدادی‌شان و نه به وطن باستانی‌شان.

(۱) بارق شفعی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در کابل متولد شده از پوهنتون حقوق و علوم سیاسی سند فراغت به دست آورده اما بیشتر کارهای بارق در زمینه شعر بوده است یکی از اعضای برجسته حزب دموکراتیک خلق و یکی از اعضای کمیته مرکزی بوده و هم مدیر مسئول ارگان نشراتی حزب «جریده خلق» بوده است

در زمان رژیم دست‌نشانده شوروی سابق به عنوان وزیر اطلاعات و کلتور، وزیر ترانسپورت، مستشار دولت در اتحاد شوروی سابق، کار کرده است.

این هم شعری تحت عنوان «کابل و مسکو» که در ماه جدی ۱۳۴۱ در کابل سروده شده است.

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بعد ها این شعر در لابلای موسیقی توسط یکی از هنرمندان حزبی به آب و تاب بیشتر سروده شده است این هنرمند فعلاً در آلمان زنده گی می کند ولی از سرودن این آهنگش خجالت می کشد.

### کابل و مسکو

از مهر و محبت ثمر کابل و مسکو

وز وحدت دل ها اثر کابل و مسکو

صلح ست و صفا از نظر کابل و مسکو

تا کابل و مسکو دو دل اهل و فایند

جز بر رخ هم بابا محبت نگشایند

بگذار بود باز در دل کابل و مسکو

تا در پی صلح بشری دست به کارند

جز دوستی خلق جهان کار ندارند

پر مهر تپد دل به پر کابل و مسکو

دل ها شده پیوند به پیمان مودت

یک جان به دو پیکر بدمیدست محبت

در دوستی بنکر هنر کابل و مسکو

نابود شود هر که به نیستی ماست

تا هست جهان شاهد همزیستی ماست

### بوم و بر کوه و کمر کابل و مسکو (۱)

شعرمتشاعر دیگر که در مجموعه کابل در آئینه شعر در در صفحه ۱۶۲ تحت عنوان کابل انتشار یافته از داکتر اسد الله حبیب است .

(۲) داکتر اسد الله حبیب در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی در کابل متولد شده، از دارالمعلمین کابل فارغ گردیده، لیسانس خود را از شعبه فارسی فاکولته ادبیات پوهنتون کابل گرفته و دوکتورای خود را زیر عنوان بیدل و چهار عنصر در رشته ادبیات از پوهنتون دولتی مسکو دریافت نموده است بعداً به حیث استاد در پوهنتون کابل پرداخته است مدتی به حیث رئیس پوهنتون کابل، رئیس انجمن نویسندگان، عضو اکادمی علوم کار کرده است اشعار داکتر اسد الله حبیب در دو مجموع که از نظر بنده گذشته مجموع «خط سرخ» و مجموع «وداع با تاریکی» می باشد که در هر دو مجموع اکثر شعر های انقلابی اش جاداده شده است کابل شعری است که در ماه جولای ۱۹۸۱ سروده شده است



### کابل

ای فسانه شهر، شهره بافسانه مرد ها

با حماسه آفرین زنان

کوه و باره قدیمت

پهلوان تیغ آخته به دوش

صخره نو شاعر نشا

با لبان بسته، دل پراز خروش

هر درخت

سبز جامه عاشقی ستاده

پنجهاش تا ستاره ها کشاده

زان ها به باد داده

با ترانه های عشق در گلو

هر پرنده ات فرشته بی که از رهایی اش سروده ها به لب

مادر زمین شرقیت

این زمین درد دیده

انقلاب تابناک ثور زاد

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

ثور پرفروغ  
 ثور نامدار  
 جاویدانه «شیر دروازه» ات  
 که نام شیر سرخ آفتاب باد  
 آفتاب کامیابی و برابری و عدل  
 «آسمایی» ات آشیانه عقب های انقلاب  
 کابل!  
 ای همه بلندی  
 ای همه غرور  
 کودک تو از نخست روز  
 چشم بر فراز دو خاست  
 پر به سوی قبله های گشاده است  
 وز پرنده هم پرنده تر  
 دل به اوج ها نهاده است  
 کابل!  
 در میان رسته ات  
 زرگران زرو لاجورد  
 حلقه ها به گوش آفتاب کرده اند  
 حلقه ها به گوش ماه  
 حلقه به گوش هر یک از ستاره  
 و آهنگران تو  
 پتک ها بلنو  
 کوره ها و سینه ها همیشه گرم  
 عصر تازه ، زنده گی تازه را عقید مند  
 کابل!  
 ای تو شهر شهر ها  
 شهر انقلاب  
 شهر کار  
 آشیانه امید های من (۲)

باز هم شعری از یکی از مداحان متشاعر وابسته به اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سابق در همین مجموعه در رویه ۱۵۰ تحت عنوان شهر قهرمان می باشد این متشاعر دستگیر پنجشیری است.  
 ۳ ( دستگیر پنجشیری در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی متولد شده بعداً در دارلمعلمین کابل درس خوانده و تحصیلات خود را در پوهنتون زبان و ادبیات پوهنتون کابل به پایان رسانیده است در ادارات مختلف مطبوعات مشغولیت های کاری داشت بعد از کودتای ننگین ثور منحصیث وزیر تعلیم و تربیه، وزیر فواید عامه و هم مدت کوتاهی ریاست اتحادیه نویسندگان را پیش برده است. کار نویسنده گی و سرودن شعر را از جوانی آغاز کرده و اکثر شعرهای انقلابی سروده است شعر شهر قهرمان هم به اصطلاح یکی از شعرهای انقلابی اش می باشد .



#### شهر قهرمان

کابل تو قلب پر تپش خلق کشوری  
 چشم و چراغ مردم بیدار خاوری  
 سرباز راه صلحی و آزادی وطن  
 چون موج مست حمله جانان آوری  
 در آسمان صاف و کیود جهان او  
 گلگون ستاره ای و شهاب شنواری

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
 یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

شمشیر آبداری و چون کوه استوار  
هرگز هرسر نبرد به کس خم نیاوری  
در بحر پر تلاطم رزم زمان ما  
شرق نوین به جوش و خروش نو آوری  
تاکی به گرد خویش بگردی چون آسیاب  
از بهر چه به خلق وطن دیر باوری  
این ده و روستاست کمر بند محکمت  
آخر چرا؟ به دهکده ها رو نیاوری  
تا توده های ده نیاید به سوی تو  
کی دشمنان خویشتن از پار در آوری  
نام و نشان تازه به دست اوری به حق  
گر ریشه های فقر و ستم را بر آوری  
از قله های سرکش پنجشیر و بامیان  
روزی که مردمان وزن را فر آوری  
درقلب آسیا شوی شهر قهرمان  
شهر پراز شکوه و جلال نو آوری  
کابل تو وارث سنن توده هاستی  
باشد چنین قضاوت تاریخ و داوری  
تا نبض شوروی بتپد از برای صلح  
هرگز مگو که کابل بی یار و یآوری  
پس زنده باد کابل حماسه ساز ما  
این گوهوار صلح و نبرد دلاوری (۳)

۲۶ سرطان مسکو

همچنان در این مجموعه دو شعر به زبان پشتو از دوشاعر دیگر که عضویت حزب دموکراتیک خلق و پرچم را داشتند نیز انتشار یافته شعر «مسکو - کابل» از سید ظاهر بیبا و شعر «د کابل سیند» از عبدالله خدمتگار بختانی. مجموعه کابل در آئینه شعر

۱ - صفحه ۱۴۶

۲ - صفحه ۱۵۶

۳ - صفحه ۱۵۱

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ